

برافراشته باد پرچم مبارزه انقلابی طبقه کارگر!

به مناسبت اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر

اول ماه مه یکی از مظاهر بزرگ مبارزه مستقل طبقه کارگر برای رهایی از ستم و استثمار سرمایه داری است. اول ماه مه همچنین روز همبستگی و اتحاد همه کارگران جهان در مقابل سرمایه داران و دولت هایشان است. در طول ۱۲۴ سالی که از تظاهرات بزرگ کارگران آمریکا برای برقراری ۸ ساعت کار روزانه می گذرد، تظاهراتی که پلیس و دیگر مزدوران سرمایه آن را به گلوله بستند، میلیون ها کارگر در سراسر گیتی طی نسل های متوالی، این روز را گرمی داشته اند و می دارند. از این بالاتر، بسیاری از کارگران همه کشورها این روز را به تخته پرشی برای ارتقای مبارزات خود با سرمایه داران و دولت هایشان تبدیل کرده اند و می کنند. اول ماه مه نقطه عزیمتی برای آگاهی طبقه کارگر از وضعیت خود و علل آن و چگونگی رهایی از این وضعیت است. زمانی است که کارگران باید موقعیت خود و دشمنانشان را بررسی کنند، اهداف و خواست های خود را به طور روشن مطرح نمایند و خود را برای حمله جسورانه تر، مصممانه تر و سنجیده تر به سرمایه داران و دولت هایشان آماده سازند.

نظام استثمارگر سرمایه داری جهانی که از دو سال گذشته در گرداب سهمگین یکی از بزرگ ترین بحران های اقتصادی ذاتی خود غوطه ور شده، هنوز نتوانسته است سر به سلامت بیرون آورد و تولید و فعالیت اقتصادی را به حالت عادی برگرداند. دولت های سرمایه داری و پارلمان هایشان در سراسر جهان می کوشند با وضع و اجرای قوانین و مقرراتی در زمینه تشدید استثمار کارگران و بازپس گرفتن دستاوردهایشان، با بذل و بخشش به مؤسسات سرمایه داری از خزانه عمومی، با پشتیبانی همه جانبه از سرمایه داران و تشویق و امید دادن به آنان، با گسترش فضای ترس، تهدید و ناامنی در میان کارگران و دیگر زحمتکشان و بی ثمر نشان دادن مبارزات آنان برای تغییر اوضاع و با ادامه جنگ های تجاوزکارانه و اشغالگرانه، کشتی توفان زده سرمایه داری را از غرق شدن نجات دهند. ایدئولوژی پردازان و روشنفکران وابسته به طبقه سرمایه دار نیز تلاش می ورزند از یک سو راه های جدیدی برای تحکیم مجدد سرمایه داری، که آسیب پذیری و زوال یابی خود را روز روشن به میلیاردها تن نشان داد، پیدا کنند و از سوی دیگر اذهان توده ها را با تصاویر غلط و معکوس از واقعیت، تیره و تار سازند. در ایران که یکی از پلیدترین و سفاک ترین نظام های اقتصادی و سیاسی سرمایه داری، یعنی حاکمیت سرمایه در شکل استبداد فاسد دینی، نظامی و بوروکراتیک، برقرار است، این تلاش های سرمایه داری برای تحکیم و تثبیت خود، به صورت های وحشیانه تر و جنایتکارانه تری بروز کرده و می کند.

طبقه کارگر ایران بزرگ ترین طبقه اجتماعی کشور است و همه محصولات مادی و معنوی جامعه یا به طور مستقیم محصول کار این طبقه است و یا به طور غیر مستقیم متکی به کار او است. اما از نظر اقتصادی- اجتماعی، سیاسی و فرهنگی طبقه کارگر ایران در چه وضعی قرار دارد؟ ما در زیر به طور بسیار مختصر خطوط اصلی این وضعیت را خاطر نشان می کنیم:

۱- وضعیت اقتصادی- اجتماعی طبقه کارگر

کارگران با آنکه بزرگ ترین نیروی مولد کشورند و خانوارهای کارگری بیش از نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند از برنامه ریزی و اداره تولید و اقتصاد به طور کلی محرومند و تنها مانند ماشین و ابزار تولید بی اراده ای مجبورند کاری را که کارفرمایان از آنان می خواهند انجام دهند. کارگران از محصولات و خدماتی که خود تولید می کنند بی بهره اند. تنها چیزی که نصیب آنان می شود (آن هم در صورتی که بیکار نشده باشند) صرفاً بهای نیروی کارشان برای زمان معین، یا مزد است که از مقدار محصولی که در آن زمان تولید کرده اند کمتر است. بدین سان کارگران هر روز مقداری کار اضافی یا کار پرداخت نشده و رایگان که به صورت محصول اضافی و ارزش اضافی درمی آید نصیب کارفرمایان می کنند. این کار اضافی یا ارزش اضافی، سرچشمه اصلی ثروت و رفاه طبقه سرمایه دار و دیگر طبقات دارا در جامعه سرمایه داری و منبع اصلی انباشت سرمایه آنان، موقعیت برتر و قدرتشان در جامعه و سرانجام استثمار و انقیاد بیشتر طبقه کارگر است. بدین سان تنها چیزی که کارگران را در جامعه سرمایه داری به اقتصاد مربوط می کند نه جایگاه شایسته این طبقه همچون بزرگ ترین مولد ثروت اجتماعی، نه برنامه ریزی و اداره تولید توسط مولدان مستقیم و در رأس آنها طبقه کارگر، نه اعمال اراده و آگاهی طبقه کارگر برای رفع نیازها و تأمین رفاه و ارتقای فرهنگی و آزادی همه مولدان جامعه، بلکه رابطه فروش نیروی کار به دارندگان وسائل تولید است. این رابطه یعنی نظام کار مزدی در همان حال زنجیر اسارت طبقه کارگر را تشکیل می دهد. اما طبقه سرمایه دار ایران و دولت پشتیبان آن حتی قواعد بازی همین نظام کار مزدی را نیز رعایت نمی کنند و بدترین انواع اجحافات را که در دیگر جوامع سرمایه داری کم نظیر است بر کارگران ایران روا می دارند.

مزد

حال ببینیم وضع مزد کارگران یعنی تنها منبع زندگی آنان چگونه است؟

شورای عالی کار در روزهای آخر اسفندماه سال گذشته حداقل مزد برای سال ۱۳۸۹ را مبلغ ۳۰۳۰۴۸ تومان در ماه تعیین کرد. اگر حق اولاد، کمک هزینه مسکن و بن اقلام مصرفی کارگری را هم در نظر بگیریم مبلغ مزد حداقل از ۳۹۳۶۰۰ تومان در ماه تجاوز نخواهد کرد. می دانیم که اکثر کارگران ایران

مزدی در حدود مزد حداقل یا کمتر از آن دریافت می کنند. در ایران تفاوت بین مزد حداقل و مزد متوسط زیاد نیست (به گفته وزیر کار سابق، مزد متوسط ماهانه کارگران در سال ۱۳۸۷ برابر ۴۱۰ هزار تومان بوده است).

بدین سان مبالغ ۳۰۳۰۴۸ یا ۳۹۳۶۰۰ یا حتی ۴۱۰۰۰۰ تومان در ماه از خط فقر بسیار پائین ترند و برپایه تخمین هائی که درباره خط فقر در ایران زده می شود، تنها حدود یک چهارم تا یک سوم خط فقر را تشکیل می دهند. یعنی با اطمینان می توان گفت که اکثریت عظیم کارگران ایران در زیر خط فقر به سر می برند در حالی که بزرگ ترین نیروی مولد ثروت در کشورند.

اشتغال و بیکاری

برطبق آمار رسمی دولتی شمار بیکاران در ایران حدود ۳ میلیون نفر است. اما با کمی دقت در همین داده های دولتی به رقم بیکاری بسیار بالاتری می رسیم. طبق گفته های عبدالرضا شیخ الاسلامی وزیرکار، آمار جمعیت شاغل در سال ۸۴، برابر ۲۰ میلیون و ۶۱۴ هزار و ۶۹۸ نفر بوده و پس از چهار سال آمار نشان می دهد نزدیک به ۳۲۲ هزار شغل از بین رفته است^۱. بدین سان بنا به گفته او جمعیت شاغل کنونی برابر ۲۰۲۹۲۶۹۸ نفر خواهد بود. حال با توجه به اینکه جمعیت فعال اقتصادی (یعنی جمعیت شاغل به علاوه جمعیت بیکار) در بهار ۱۳۸۸ برابر ۲۴۶۷۷۶۶۹ نفر بوده است، جمعیت بیکاران را دست کم برابر ۴۳۸۵۰۰۰ نفر می توان تخمین زد.

بدین سان بیش از ۴.۳ میلیون نفر که حدود ۱۷ درصد جمعیت فعال و بیش از یک سوم جمعیت کارگران مزدی را تشکیل می دهند بیکارند. بسیاری از کارگران شاغل نیز به علت بحران اقتصادی امنیت شغلی ندارند و در معرض بیکار شدن هستند.

بیمه بیکاری

اکثریت بسیار بزرگ این میلیون ها کارگر بیکار از هیچ گونه مقرری و بیمه بیکاری برخوردار نیستند. طبق گزارش عملکرد وزارت کار در سال ۸۴ شمار کل مقرری بگیران بیمه بیکاری ۱۳۳ هزار و ۶۵۷ نفر گزارش شده که این رقم در سال ۸۵ به ۱۵۷ هزار و ۳۱۳ نفر، در سال ۸۶ به ۱۴۲ هزار و ۲۱۷ نفر و در سال ۸۷ به ۱۵۰ هزار و ۱۴۸ نفر رسیده است^۲. یعنی در سال ۱۳۸۷ تنها کمتر از ۳.۵ درصد کارگران بیکار مقرری بیکاری می گرفته اند و بیش از ۹۶.۵ درصد آنان هیچ کمک و درآمندی دریافت نمی کرده اند.

^۱ - روزنامه/عتماد، ۱۲ شهریور ۱۳۸۸

^۲ - ایلنا، ۲۲ شهریور ۱۳۸۸

تبعیض بر زنان کارگر و زحمتکش در زمینه استخدام، تصدی مسؤلیت، مزد و بازنشستگی

تبعیض بر زنان کارگر و زحمتکش در زمینه های گوناگون اشتغال، مزد، تصدی مسؤلیت ها و غیره وجود دارد. بخش بزرگی از زنان کشور به علت تبعیض ها و فشارهای رنگارنگ حکومتی و اجتماعی از کارکردن در بیرون از خانه و داشتن استقلال اقتصادی محروم نگاه داشته می شوند. آنان نه تنها بار سنگین کار خانگی را بر دوش دارند بلکه فعالیت اقتصادی شان در خانه نیز به طور رسمی «کار» به حساب نمی آید و نه مزد دارند و نه باز نشستگی. رژیم جمهوری اسلامی کارکرد و نقش اصلی زنان در جامعه را زائیدن و بزرگ کردن بچه و کار خانگی می داند. اما از آنجا که مقتضیات زندگی جدید و نیز استثمار سرمایه دارانه به کار زنان نیازمند است سردمداران رژیم کار زنان در بیرون از خانه را پذیرفته اند. اما تحقیر و توهین بر زنان در کارخانه ها و کارگاه ها، ادارات، بیمارستان ها، مدارس و دانشگاه ها و در صحن کوچه ها و خیابان ها به شکل های گوناگون از سوی مأموران رژیم امری جاری است. این فشار هرچند متوجه عموم زنان است اما زنان کارکن (به ویژه زنان کارگر در رشته های مختلف تولید و خدمات) بیشتر در معرض این توهین ها و تحقیرها قرار دارند.

زنان کارگر مزدی، افزون بر این، دچار تبعیض هائی در زمینه اشتغال، دریافت مزد کمتر در مقابل کار یکسان با مردان کارگر اند. افزون بر این زنان کارگر نخستین قربانیان اخراج و بیکاری اند. رژیمی که در بسیاری از عرصه های حقوقی و اجتماعی زن را نصف مرد می داند، رژیمی که برای زن حق طلاق و حق سرپرستی فرزندان خود را قائل نیست، در حالی که بار نگهداری کودکان را بر دوش آنان تحمیل می کند، رژیمی که مجازات های قرون وسطائی مانند سنگسار کردن و قطع و ناقص کردن اعضای بدن را به عمل در می آورد، رژیمی که چند همسری و صیغه، ضرب و شتم زن توسط شوهر و قتل های ناموسی را تأیید می کند، آری چنین رژیمی «طبیعی» است که حقوق و فرصت های برابر اقتصادی و اجتماعی برای زن و مرد را لگدمال سازد.

کار کودکان

بنا به گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر در سال ۱۳۸۵، یک میلیون و ۷۰۰ هزار کودک رده سنی ۱۰ تا ۱۸ سال به صورت مستقیم درگیر کار بوده اند (۸۳۰ هزار نفر از این کودکان، شهری و ۸۵۰ هزار نفر از آنان روستایی بودند).

در همان حال ۹۱۵ هزار کودک با عنوان «کودک خانه دار» توسط مرکز آمار ایران ثبت شده است که حدود ۹۰۴ هزار نفر از آنان را دختران و مابقی را پسران تشکیل می دهند. عمده کودکان خانه دار،

کودکانی اند که به دلیل ازدواج زودهنگام، خانه دار شده اند. عده دیگری از این کودکان را کودکان بازمانده از تحصیل تشکیل می دهند. بنابراین می توان گفت در مجموع حدود دو میلیون و ۷۰۰ هزار کودک در کشور مشغول کار هستند.

بر طبق همین گزارش « به گفته مدیر عامل انجمن حمایت از حقوق کودکان، ۲۹.۳ درصد (یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفر) از دختران و ۲۶.۴ درصد (یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفر) از پسران در سال ۱۳۸۵ خارج از چرخه تحصیل قرار داشته اند.»

این ارقام نشان می دهند که تا چه اندازه وضعیت کودکان کارگران و دیگر تهی دستان شهر و روستا از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وخیم است.

تورم و رکود اقتصادی

در تمام دوران حاکمیت جمهوری اسلامی نرخ های تورم بالائی بر اقتصاد ایران حاکم بوده است که نتیجه آن کاهش مداوم قدرت خرید مزد و حقوق بگیران و بازنشستگان و افزایش فقر و تیره روزی کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان بوده است.

تورم یا افزایش عمومی و مستمر قیمت ها یکی از عوارض شیوه تولید سرمایه داری به ویژه در دوران کهولت این نظام است. علت مستقیم تورم افزایش نقدینگی (پول و اعتبارهای بانکی) و عدم رشد تولید به نسبت رشد نقدینگی است. اما باید پرسید چرا نقدینگی باید رشدی سریع تر از رشد اقتصادی داشته باشد؟ یک علت بسیار مهم افزایش بیش از حد اعتبارات، کاهش سرمایه گذاری به ویژه در رشته های تولیدی است که خود ناشی از گرایش کاهشی نرخ سود است. از این رو دولت های سرمایه داری و بانک های مرکزی برای تشویق سرمایه گذاری زمینه اعتبارات ارزان، فراوان و آسان را فراهم می کنند. اما این اعتبارات ارزان و فراوان بیشتر به سمت رشته های غیر مولد (فعالیت های تجاری، معاملات و بورس بازی اوراق بهادار، زمین بازی و غیره) سرازیر می شوند و تولید به رشدی که سیاست گذاران اقتصادی انتظارش را داشتند منجر نمی شود و به عکس تورم افزایش می یابد یا تداوم می یابد.

البته نظام های سرمایه داری می توانند با اعمال یک رشته سیاست های پولی و مالی تورم را مهار کنند، اما این مهار تورم نه تنها علایجی برای فقر وسیع در جامعه سرمایه داری نیست، بلکه غالباً به رکود اقتصادی دامن می زند و بیکاری را افزایش می دهد. مهار «موفقیت آمیز» تورم در طول بیش از دو دهه اخیر در بزرگ ترین کشورهای سرمایه داری نتوانست به رشد اقتصادی در این کشورها کمک کند و مانع بحران بزرگ اقتصادی اخیر گردد.

سرمایه داران و کارگزاران شان به ویژه اقتصاد دانان، سیاستمداران و روزنامه نگاران بورژوا علت تورم را افزایش مزد (یا افزایش مزد به نسبتی بالاتر از بارآوری کار) قلمداد می کنند. چنین ادعائی صرفاً برای خنثی کردن مبارزات کارگران برای افزایش مزد و برانگیختن توده های غیر کارگر به ضد کارگران صورت می گیرد و هیچ پایه علمی ندارد. واقعیت این است که تا زمانی که افزایش مزد از میزان ارزش اضافی کمتر باشد افزایش مزد هیچ تأثیر مستقیمی در افزایش قیمت ها نخواهد داشت و تنها سود سرمایه داران کمتر خواهد شد. اما سرمایه داران می کوشند هر افزایش مزدی را با افزایش قیمت ها و یا اخراج کارگران (که به معنی کاهش عمومی حجم مزد پرداختی و تشدید استثمار کارگران شاغل است) و یا هردو خنثی کنند تا میزان سودشان کاهش نیابد. افزایش قیمت ها به منظور خنثی کردن افزایش مزد، یکی از مکانیسم های ایجاد تورم است. بدین سان تورم همواره باجی است که طبقات دارا از طبقات بی چیز می گیرند.

حال که برخی از خطوط مهم وضع اقتصادی- اجتماعی طبقه کارگر را دیدیم نگاهی هم به وضع اقتصادی طبقه سرمایه دار و دیگر طبقات دارا از نظر درآمد و سطح زندگی و دارائی بیافکنیم.

برطبق «نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران در سال ۱۳۸۷» (از انتشارات بانک مرکزی) متوسط هزینه ناخالص سالانه یک خانوار در دهک دهم (ده در صد ثروتمندترین) برابر ۳۳۷۳۲۵۶۶۵ ریال و متوسط هزینه ناخالص سالانه یک خانوار در دهک اول (ده در صد فقیرترین) برابر ۲۵۲۷۳۱۴۱ ریال بوده است. یعنی در سال ۱۳۸۷ هزینه ناخالص متوسط یک خانوار شهری دهک دهم بیش از ۱۳ برابر هزینه ناخالص یک خانوار دهک اول شهری بوده است. در همین سال اگر هزینه ناخالص کل دهک ها را در نظر بگیریم خواهیم دید که هزینه متوسط یک خانوار دهک دهم تقریباً برابر مجموع هزینه های متوسط یک خانوار از دهک اول تا پنجم بوده است. البته اگر این نسبت ها را در مورد دهک های کل جمعیت شهری و روستائی محاسبه کنیم اختلافات از این هم فاحش تر خواهد بود.

هزینه خانوار، هرچند شاخصی در مورد درآمد خانوار است اما رابطه بین هزینه و درآمد در مورد طبقات دارا و بی چیز یکسان نیست. طبقات بی چیز غالباً تمام درآمد خود را هزینه می کنند (و کسر هم می آورند) اما درآمد طبقات دارا از هزینه شان می تواند بسیار بیشتر باشد. بدین سان اختلاف درآمد بین طبقات دارا و بی چیز از آنچه در بالا دیدیم بیشتر است.

اما اختلاف بین فقر و ثروت را تنها اختلاف در هزینه یا در درآمد خانوار تعیین نمی کند. اختلاف در دارائی به ویژه دارائی هایی که به شکل پول و وسائل تولیدند شاخص گویا تری در این زمینه است و شکاف عمیق بین طبقات دارا و بی چیز و مشخصاً بین طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر را بهتر نشان می

دهد. ما در اینجا نمی‌توانیم آماری کامل در مورد دارائی‌های منقول و غیر منقول طبقه سرمایه دار و دیگر طبقات و لایه‌های دارای ایران ارائه دهیم. اما هر کارگری در زندگی خود شاهد توسعه کارگاه و کارخانه‌ای که در آن کار می‌کند، ایجاد کارخانه‌ها و معادن و کارگاه‌های ساختمانی جدید، توسعه بانک‌ها و غیره بوده است. همچنین هر ناظر اقتصادی شاهد رشد سریع شاخص قیمت سهامی که در بورس مبادله می‌شوند و نرخ بالای سود سهام یا به اصطلاح بازده بورس بوده است. به طور مثال بنا به گزارش همشهری آنلاین در تاریخ ۱۳ مهر ۱۳۸۸ شاخص بورس و اوراق بهادار: «میانگین بازده سرمایه‌گذاری در بورس تهران از ابتدای سال جاری تاکنون به ۴۶ درصد رسید. به گزارش همشهری، تازه‌ترین اطلاعات از روند سودآوری سهام شرکت‌های بورس نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران توانسته‌اند از ابتدای امسال تاکنون [یعنی طی حدود ۶ ماه و نیم] به طور میانگین ۴۶ درصد سود به دست بیاورند.»

۲- وضعیت سیاسی طبقه کارگر

وضعیت سیاسی طبقه کارگر در جامعه از موقعیت اقتصادی-اجتماعی این طبقه و نیز از مبارزه طبقاتی او به ویژه در حوزه سیاسی به ضد طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داری ناشی می‌شود. وضعیت اقتصادی - اجتماعی طبقه کارگر، چنانکه دیدیم، موقعیت طبقه زیر ستم و استثمار فزاینده است و این موقعیت تنها با سرنگونی طبقه سرمایه دار و تسخیر قدرت سیاسی به دست طبقه کارگر به طور اساسی دگرگون می‌شود و این طبقه تنها با تکیه بر قدرت سیاسی‌ای که باید به دست آورد قادر به تغییر اساسی وضعیت اقتصادی خود و دیگر زحمتکشان جامعه خواهد بود. اما طبقه کارگر برای بهبود وضعیت اقتصادی-اجتماعی و سیاسی و فرهنگی خود نمی‌تواند منتظر سرنگونی رژیم حاکم باشد و منتظر هم نمی‌ماند. طبقه کارگر تنها در مبارزه‌ای دائمی در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، نظری و فرهنگی است که می‌تواند به عنوان یک طبقه متشکل شود، نیروهای خود را جمع و متشکل کند، دیگر زحمتکشان جامعه را به برنامه و سیاست خود جلب نماید و نظام سرمایه داری را سرنگون سازد و به ساختن جامعه‌ای فارغ از استثمار و کار مزدی و فارغ از طبقات روی آورد.

۳- ضرورت مبارزه سیاسی و اقتصادی مستقل طبقه کارگر

از این رو طبقه کارگر نمی‌تواند به مبارزه سیاسی، مبارزه برای برانداختن دولت سرمایه داری و درهم شکستن ماشین سرکوب نظامی و اداری طبقه سرمایه دار، مبارزه برای ایجاد دولت کارگری بی‌اعتنا باشد. طبقه کارگر نمی‌تواند به خواست‌هایی چون آزادی اندیشه و بیان، آزادی گردهمایی و تظاهرات و اعتراض، آزادی حزب و تشکل، آزادی انتخابات، آزادی زندانیان سیاسی، منع شکنجه، آزادی مطبوعات و رسانه‌ها، لغو سانسور، لغو مجازات اعدام، برقراری دادگاه‌هایی مبتنی بر حقوق عرفی پیشرو با حق و

امکان دفاع آزادانه هر متهم، ضرورت جدائی دین از دولت، حقوق و آموزش عمومی، برابری زن و مرد در همه عرصه های حقوقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، برابری حقوق ملت های ساکن ایران و حق آنها در تعیین سرنوشت خود، مبارزه با شوینیسیم و نظامی گری، مبارزه با سلطه گری و تجاوز قدرت های امپریالیستی بی اعتنا باشد. مبارزه برای تحقق این خواست ها با منافع اساسی طبقه کارگر عجین است. همان گونه که مبارزه برای افزایش مزد، برقراری بیمه بیکاری و پرداخت حقوق به بیکاران تا پیدا کردن کار، حق اعتصاب، کاهش ساعات کار هفتگی، مرخصی با حقوق، بیمه همگانی، بهداشت و آموزش رایگان، منع کار کودکان، منع هرگونه تبعیض جنسی، ملی و قومی و مذهبی در محیط کار و در عرصه جامعه، مبارزه برای تدوین قانون کار با شرکت نمایندگان منتخب کارگران، برقراری بازرسی کارخانه ها و دیگر محل های کار توسط نمایندگان کارگران و غیره برای کارگران لازم و اجتناب ناپذیر است. آری مبارزه برای نان و برای نفی استثمار و طبقات از مبارزه برای آزادی در مشخص ترین و وسیع ترین معنی آن جدائی ناپذیر است. مبارزات چند صد ساله کارگران و پیروزی ها و شکست های آنان این حقیقت را بارها و بارها به اثبات رسانده است.

پاینده باد اول ماه مه روز همبستگی و اتحاد بین المللی کارگران

پرتوان باد مبارزات سیاسی و اقتصادی کارگران

پیش به سوی ایجاد حزب سیاسی طبقه کارگر

پیش به سوی ایجاد سندیکاهاى مستقل کارگری

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری دموکراتیک شورائی ایران

زنده باد سوسیالیسم

۵ اردیبهشت ۱۳۸۹، ۲۵ آوریل ۲۰۱۰ جمعی از کمونیست های ایران (آذرخش)

www.aazarakhsh.org

azarakhshi@gmail.com

www.azarakhshblog.blogspot.com